

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

عنوان :

توصیه های تبلیغی پیامبر اکرم (ص) به معاذ بن جبل



سامانه جامع محتوای تبلیغی بسته فرهنگی

www.bastefarhangi.ir

در این مقاله به توصیه های تبلیغی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به معاذ بن جبل می پردازیم؛ اما قبل از آن یادآوری چند نکته ضروری می نماید.

۱. تبلیغ، رسالت پیامبران

وظیفه اصلی پیامبران الهی تبلیغ معارف الهی است و این شرافت نصیب برخی از اصحاب پیامبران الهی نیز می شده است. یکی از یاران مبلغ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز معاذ بن جبل است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در آستانه اعزامش، توصیه هایی در دو محور: صفات روحانی و آموزه های تبلیغی بیان فرمودند. بدیهی است تامل، وارسته نباشد، تلاشش شایسته نخواهد شد. ما این توصیه پیامبر گرامی را که «آیین تبلیغ» است به اختصار، تقدیم دوستان می کنیم. گفتنی است پیام و هدف تبلیغات، معارف دین است که به فطرت پاک انسانیت القا می شود. فطرتها در گذشته و امروز، یکسان و ثابت است، گرچه تفاوتها، دگرگونیها و تنوعهایی در نحوه اعزام، مسئولیت اهل تبلیغ، مبلغان و نیز در مخاطب، رخ داده است.

۲. معاذ

ابو عبدالرحمن، معاذ، فرزند جبل، از انصار و طایفه خزرج، در هجده سالگی ایمان آورد و جزء هفتاد نفری بود که پیش از هجرت در عقبه با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیعت کردند. او در بسیاری از جنگها، در رکاب حضرت حاضر بود. وی در سال دهم هجری پس از جنگ تبوک به یمن اعزام شد. البته او پیشتر، نیز چند بار به عنوان مبلغ، که معمولاً سمت امارت و قضاوت داشت، به اطراف مدینه، اعزام شده بود. حضرت رسول صلی الله علیه و آله وی را با عبدالله بن مسعود در هنگام عقد اخوت بین اصحاب، برادر قرار داد.

۳. تکریم مبلغان

هنگام هجرت تبلیغی معاذ، پیامبر صلی الله علیه و آله با مهاجران و انصار او را در مدینه بدرقه می کردند. این مشایعت به قدری محترمانه بود که معاذ، سواره و حضرت، پیاده در کنارش راه می رفت و او را نصیحت و راهنمایی می فرمود. معاذ، شرمند شد و عرض کرد: یا رسول الله! شایسته نیست شما و اصحاب پیاده باشید و من سواره، اجازه فرمایید پیاده شوم! حضرت فرمودند: «أَتَمَّا أَحْتَسِبُ خُطَايِي هَذِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ رنج این پیاده روی را، به حساب خدا می گذارم.» ناگفته پیداست که نصوص فراوان قرآنی و روایی در فضیلت اهل علم، شامل مبلغان نیز می گردد.

۴. آینه عبرت

معاذ با سوابق درخشان رزمندگی، پیشتازی در ایمان، تدریس، تبلیغ، امارت، قضاوت، صحابت، هجرت‌های متعدد تبلیغی و... سرانجامی تاریک داشت. شاید سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله در خاتمه سفارشها، هشدار می بود به معاذ که متأسفانه نادیده گرفته شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله در پایان، ضمن تصریح به اینکه این آخرین دیدار من و تو است فرمود: بدان ای معاذ! محبوب ترین شما نزد من کسی است که با همین حال [و عقیده ای] که اکنون از هم جدا می شویم، او را ببینم.

پس از پیامبر صلی الله علیه و آله صدیقه طاهره از او کمک خواست؛ ولی او سر باز زد و در تحکیم طاغوت کوشید. وی در زمان دومین خلیفه از خلفای نخستین، سال هجدهم هجری، در ۳۸ سالگی بر اثر طاعون در منطقه اردن، وفات کرد.

شیخ مفید نوشته است: پس از پیامبر، حضرت زهرا علیها السلام از تمام اصحاب و یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله استمداد طلبید و یاری خواست، تا اینکه به معاذ بن جبل رسید. حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: ای معاذ بن جبل! تو با رسول خدا صلی الله علیه و آله عهد کرده و بیعت نموده ای که دین او و خانواده اش را یاری کنی، پس چرا امروز که ما مظلومیم سکوت کرده و دم بر نمی آوری؟ معاذ گفت: تنها من که از اصحاب پیامبر نیستم و دیگران نیز با او پیمان بسته بودند! حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: هیچ کدام به من پاسخ مثبت ندادند. معاذ بن جبل گفت: من به تنهایی نمی توانم تو را یاری کنم!

حضرت زهرا ناراحت و دل شکسته از نزد او بیرون آمد در حالی که می فرمود: به خدا سوگند! من دیگر با تو سخن نخواهم گفت، تا اینکه در روز قیامت به پیشگاه پدرم وارد شویم... (۱)

۵. نظارت

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پس از اعزام معاذ، پی گیری و نظارت نیز داشته و به اهل یمن، که میزبان و مخاطب معاذ بودند نوشت: «...إِنِّي لَمْ أُبْعَثْ عَلَيْكُمْ مُعَاذًا رَبًّا وَإِنَّمَا بَعَثْتُهُ أَخًا وَمُعَلِّمًا وَمُنْفِذًا لِأَمْرِ اللَّهِ...» (۲) معاذ را به عنوان ارباب شما، به یمن اعزام نکردم، بلکه تنها او را به عنوان برادر، راهنما [و آموزنده معارف] و مجری فرمان خداوند فرستادم.»

نکات تبلیغی

حضرت نکات مهم و کاربردی تبلیغی را به معاذ گوشزد کرده است که به بعضی از آنها اشاره می کنیم.

۱. آموزش قرآن

«ای معاذ: عَلِّمَهُمْ كِتَابَ اللَّهِ: (۳) کتاب خدا را به مردم بیاموز»

حضرت در جای دیگری می فرماید: «إِنْ أَرَدْتُمْ عَيْشَ السُّعْدَاءِ وَ مَوْتَ الشُّهَدَاءِ، وَالنَّجَاةَ يَوْمَ الْحَشْرِ، وَالظَّلَّ يَوْمَ الْحَرُورِ، وَالْهُدَى يَوْمَ الضَّلَالَةِ فَادْرُسُوا الْقُرْآنَ، فَإِنَّهُ كَلَامُ الرَّحْمَنِ وَ حِرْزٌ مِنَ الشَّيْطَانِ وَ رُجْحَانٌ فِي الْمِيزَانِ: (۴) اگر در پی زندگی با سعادت، مرگ با شهادت و نجات روز حشر، در سایه بودن در روز گرمای سوزان، و هدایت در روز ضلالت هستید، به دیگران قرآن بیاموزید، راستی که آن سخن خدای رحمان، و نگهدارنده از شیطان و مایه سنگینی میزان است.»

۲. ادای امانت

«وَأَدِّ الْبَيْهْمُ الْأَمَانَةَ فِي كُلِّ قَلِيلٍ وَ كَثِيرٍ؛ امانت آنها را کم یا بیش بدانها بپرداز.»

ادای امانت یکی از صفات بارز مؤمنین است که خداوند به آن امر فرموده است: «أَنْ اللَّهُ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» (۵)؛ «خداوند به شما فرمان می دهد که امانتها را به صاحبانش بدهید»...

هر چه در اختیار انسان است امانت است. امانتداری معنای وسیعی دارد که شامل امانات مادی و معنوی می شود.

نیز می فرماید: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ» (۶) «و آنها که امانتها و عهد خود را رعایت می کنند».

امام صادق علیه السلام فرمود: «اتَّقُوا اللَّهَ وَ عَلَيكُمْ بِأَدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى مَنْ أَيْتَمَّكُمْ، فَلَوْ أَنَّ قَاتِلَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِتَمَّنَى أَمَانَةً لَأَدَيْتُهَا»؛^۷

از خدا بترسید و بر شما باد به پرداخت امانت به کسی که شما را امین دانسته [و چیزی نزد شما نهاده] که به راستی اگر کشنده امیرمؤمنان علیه السلام چیزی را به رسم امانت نزد من گذارد، آن را خواهم پرداخت».

دستورالعمل همه پیامبران

امام صادق علیه السلام می فرماید: «أَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا إِلَّا بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبِرِّ وَ الْفَاجِرِ؛ (۸) به راستی که خدای عزیز و جلیل، پیامبری را برنینگیخت، مگر با مأموریت ترویج صدق گفتار و پرداخت امانت [به صاحبش]؛ چه خوب و چه بد باشد».

۳. رفق و مدارا

«وَ عَلَيكَ بِالرَّفْقِ وَ الْعَفْوِ فِي غَيْرِ تَرْكٍ لِلْحَقِّ يَقُولُ الْجَاهِلُ قَد تَرَكْتَ مِنْ حَقِّ اللَّهِ؛ بر تو باد نرمش و گذشت در غیر مورد ترک حق که نادان بگوید حق خدا را ترک نمودی». مدارا کردن به معنای ملاحظت و نرمی و ملایمت، و سازگاری و رفق، و به اصطلاح روز، تحمل دیگران است. شاعر پارسی زبان گوید:

به مدارا دل تو نرم کنم آخر کار به درم نرم کنم گر به مدارا نشود

نظامی گنجوی نیز گوید:

مدارا کن که خوی چرخ تند است به همت رو که پای عمر کند است

مدارا و گذشت جذب کننده دیگران به دین است و لذا خداوند به پیامبرش صلی الله علیه و آله می فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ...»؛^۹

«به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان نرم شدی، و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می شدند. پس آنها را ببخش و برای آنها آمرزش بطلب...».

البته گذشت در چهارچوب تدبیر امور عامه است، اما احکام الهی مشورت بردار نیست، پس عفو و گذشت شامل حدود شرعی و امثال آن نمی شود. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ثَلَاثٌ مَنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ لَمْ يَتِمَّ لَهُ عَمَلٌ؛ وَرَعٌ يَحْجِزُهُ عَنِ مَعَاصِي اللَّهِ، وَ خُلُقٌ

يُدَارِي بِهِ النَّاسَ، وَ حَلْمٌ يَرُدُّ بِهِ جَهْلَ الْجَاهِلِ؛ (١٠) سه چیز است که اگر در کسی نبود کارش به پایان نرسد: ورع و پارسایی که او را از نافرمانیهای خدا باز دارد، خلق و خوئی که بدان با مردم مدارا کند، بردباری و حلمی که بدان جاهل جاهل را دفع کند.

مدارا در نماز جماعت

امیرمؤمنان علیه السلام در نامه ای به مالک اشتر نخعی می فرماید: هنگامی که نماز جماعت می خوانی با طولانی کردن نماز، مردم را پراکنده مکن و همچنین با سرعت زیاد آن را تباه مساز؛ زیرا در میان مردم، بیمار یا صاحب حاجتی وجود دارد. پیامبر صلی الله علیه و آله مرا به یمن فرستاد، از او پرسیدم: چگونه با مردم نماز بخوانم؟ فرمودند: در حد ناتوان ترین آنها، و بر مؤمنان مهربان باش! (۱۱)

۴. گذشت

«وَ اعْتَذِرْ إِلَى أَهْلِ عَمَلِكَ مَنْ كُلِّ أَمْرٍ خَشِيَتْ أَنْ يَقَعَ إِلَيْكَ مِنْهُ عَيْبٌ حَتَّى يُعْذِرُوكَ؛

از کارمندان خود در هر چه می ترسی دچار عیبی شوی پوزش طلب تا تو را معذور دارند.» عذرخواهی و پذیرش عذر دیگران اخلاق حسنه ای است. گرچه انسان از کاری که موجب عذرخواهی می شود باید اجتناب کند؛ ولی گاهی ناخواسته برخی اشتباهات پیش می آید. البته عذرخواهی زمانی درست است که قابل جبران باشد. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «شَرُّ الْمَعْذِرَةِ حِينَ يَحْضُرُ الْمَوْتُ؛ (۱۲) بدترین عذرخواهیها آن است که هنگام مرگ انجام پذیرد.» البته اگر انسان در انجام مأموریت خود تلاش کرد، اما آن طور که شایسته بود نتوانست وظیفه اش را انجام دهد، اعتراف به کوتاهی یا عدم توانایی بیش از این، خود عذرخواهی است. امام علی علیه السلام می فرماید: «الْإِقْرَارُ بِالذَّنْبِ الْإِعْتِذَارُ؛ اعتراف به گناه خود عذرخواهی است.» (۱۳)

عذرخواهی نابجا

امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: «لَا تَعْتَذِرْ مِنْ أَمْرِ أَطَعْتَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ فِيهِ؛ (۱۴) از کاری که با آن خدای سبحان را فرمان برده ای عذرخواهی مکن.»

همچنین آن حضرت می فرماید: «مَنْ اعْتَذَرَ مِنْ غَيْرِ ذَنْبٍ فَقَدْ أَوْجَبَ عَلَى نَفْسِهِ الذَّنْبَ؛ (۱۵) هرکسی بدون ارتکاب گناهی عذرخواهی کند، خود را گنهکار قلمداد کرده است.»

پی نوشت

۱. الاختصاص، ص ۱۸۴ و ۱۸۵.
۲. مکاتیب الرسول، ج ۱، نامه پیامبر به اهل یمن.
۳. این توصیه ها در منابع شیعه و سنی آمده است و ما از تحف العقول، ص ۲۳ و ۲۴، با تصحیح علی اکبر غفاری نقل می کنیم.
۴. مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۲۳۲، درباره فضیلت تعلیم قرآن کتابهای زیادی نوشته شده است و ضمن کتب روایی نیز روایات فراوانی هست مثل کافی ج ۲، کتاب فضل قرآن، محجّة البیضاء، آداب القراءه و نهج البلاغه خطبه ۱۵۸.
۵. نساء/۵۸.
۶. مؤمنون /۸.
۷. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۱۴.
۸. کافی، ج ۲، ص ۱۰۴.
۹. آل عمران/۱۵۹.
۱۰. اصول کافی، ج ۳، ص ۱۸۱.
۱۱. نهج البلاغه، نامه ۵۳.
۱۲. مستدرک الوسائل؛ ج ۲، ص ۱۰۴.
۱۳. غررالحکم، ص ۱۹۵.
۱۴. غررالحکم، ح ۳۴۱۴.
۱۵. غررالحکم، ح ۱۰۲۵۰.

منبع :